



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



امام سجاد عليه السلام

فاتح قلبها

عبدالکریم پاک نیا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام سجاد علیه السلام فاتح قلبها

نویسنده:

عبدالکریم پاک نیا

ناشر چاپی:

ماهنامه کوثر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امام سجاد علیه السلام فاتح قلبها
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	جوانمردی و ایثار
۸	خدمتگزاری به نیازمندان
۸	زیباترین شیوه معاشرت
۹	راز محبوبیت اجتماعی
۱۰	در اوج محبوبیت
۱۱	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امام سجاد علیه السلام فاتح قلبها

مشخصات کتاب

عنوان: امام سجاد (ع) فاتح قلبها

پدیدآورندگان: امام چهارم علی بن حسین (ع) (توصیف گر)

پاک نیا، عبدالکریم، ۱۳۴۱- (پدیدآور)

ناشر مقاله: نشریه کوثر، شماره ۵۷، بهار ۱۳۸۳

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: فضایل ائمه (ع)

سیره ائمه اطهار (ع)

مقدمه

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین رازهای توفیق پیشوایان معصوم علیهم السلام در طول حیات و بعد از شهادت آن بزرگواران، جایگاه معنوی و شخصیت والایشان در قلوب انسان‌های مشتاق فضائل و کمالات بوده است. از آنجا که حضرات معصومین علیهم السلام هرکدام در عصر خویش به عنوان اسوه کامل انسانیت و بارزترین نمونه کمالات و صفات انسانی بوده‌اند و عموم مردم فطرتاً چنین صفاتی را دوست دارند، به این جهت، به امامان معصوم علیهم السلام به دیده محبت و عشق می‌نگریسته‌اند. حتی دشمنان آن بزرگواران با اعتراف به این حقیقت انکارناپذیر، بارها زبان به ستایش پیشوایان معصوم گشوده و مناقب و افتخارات آنان را به دیگران یادآور شده‌اند. در این فرصت، مروری کوتاه بر جایگاه معنوی حضرت زین‌العابدین علیه السلام در جامعه و برخی علل محبوبیت آن پیشوای راستین خلق در دل‌های مشتاق، خواهیم داشت باشد که ما نیز با پرورش محبت روزافزون آن امام همام، دل‌هایمان را از زنگار جهل و خرافه‌ها زدوده و در پرتو دوستی اهل بیت علیهم السلام گام‌های سعادت آفرین به سوی کمال برداریم. ان شاء الله. ناگفته نماند که مقصود ائمه اطهار علیهم السلام جلب رضایت مخلوق در مقابل سخط و خشم خالق نبوده است؛ زیرا: الف) ساختار شخصیت آن بزرگواران و رفتار و کردارهای پسندیده‌شان طبیعتاً با فطرت مردم سازگار بوده و انسان‌های پاک فطرت و عموم مردم عادی به دیده محبت و احترام به آنان می‌نگریستند. ب) چون امامان معصوم علیهم السلام برای هدایت مردم و پیشبرد مقاصد الهی خود به مقبولیت اجتماعی نیاز داشتند تا آنجا که اهداف الهی و اصول مسلم اسلام اجازه می‌داد، سعی می‌کردند افکار عمومی و رضایت مردم را در راستای ارزش‌های معنوی جلب کرده و آنان را در مقابل اهل باطل بسیج نمایند. چنان‌که بارها از این نیروی عظیم بر ضد ستمگران و زورگویان بهره می‌بردند. البته هرگاه هم که مردم آن بزرگواران را همراهی نمی‌کردند، ائمه اطهار علیهم السلام به دنبال اهداف الهی خود می‌رفتند و از مردم زمانه خود که جانب باطل را انتخاب کرده بودند، فاصله می‌گرفتند. به همین علت امام سجاد علیه السلام به مردی که می‌گفت: «اللهم اغننی عن خلقک؛ خدایا! مرا از این مردم بی‌نیاز کن.» اعتراض کرده و فرمود: «بی‌نیازی از مردم، ممکن نیست و انسان در هر صورت در زندگی دنیوی به ارتباط مردم نیاز دارد بلکه چنین دعا کن: اللهم اغننی عن شرار خلقک [۱]؛ خدایا! مرا از مردم شرور و بدسرشت بی‌نیاز کن.»

جوانمردی و ایثار

از عوامل مهمی که شخصیت والای حضرت سجاد علیه السلام را در منظر دیگران محبوب ساخته بود و اطرافیان، دوستان، غلامان و کنیزان آن حضرت با تمام وجود به امام عشق می‌ورزیدند، خصلت پسندیده «عفو، گذشت و جوانمردی» بود. در این راستا امام سجاد علیه السلام از یک شیوه کارآمد و پسندیده تربیتی بهره می‌گرفت. امام صادق علیه السلام فرمود: در طول ماه مبارک رمضان، حضرت علی بن الحسین علیه السلام در مورد غلامان و کنیزان و سایر زیردستان خود روش عفو و گذشت را به کار می‌گرفت به این ترتیب که هرگاه غلامان و کنیزان آن حضرت خطائی را مرتکب می‌شدند، آنان را تنبیه نمی‌کرد. آن حضرت فقط خطاها و گناهان آنان را در دفتری ثبت کرده و تخلفات هر کس را با نام و موضوع تخلف مشخص می‌نمود. در آخر ماه همه آنان را جمع کرده و در میان آنان می‌ایستاد. آنگاه از روی نوشته، تمام خطاها و اشتباهاتشان را که در طول ماه رمضان مرتکب شده بودند، برایشان یادآور می‌شد و به تک تک آنان می‌فرمود: فلانی! تو در فلان روز و فلان ساعت تخلفی کردی و من تو را تنبیه نکردم، آیا به یاد می‌آوری؟! فرد خطاکار هم می‌گفت: بلی، ای پسر رسول خدا! و تا آخرین نفر این مطالب را متذکر می‌شد و آنان به اشتباهات و خطاهای خود اعتراف می‌کردند. آنگاه به آنان می‌فرمود: با صدای بلند به من بگوئید: ای علی بن الحسین! پروردگارت تمام اعمال و رفتار تو را نوشته است چنان که تو اعمال ما را نوشته‌ای؛ نزد خداوند نامه اعمالی هست که با تو به حق سخن می‌گوید و هیچ عمل ریز و درشتی را فروگذاری نمی‌کند، و هرچه انجام داده‌ای، به حساب آورده و تمام اعمالت را نزد او حاضر و آماده خواهی یافت، همچنان که ما اعمال خود را در نزد تو آماده و ثبت شده دیدیم. پس ما را ببخش همان طور که دوست داری خدا تو را ببخشد. ای علی بن الحسین! به یاد آر، آن حقارت و ذلتی را که فردای قیامت در پیشگاه خدای حکیم و عادل خواهی داشت؛ آن پروردگار عادل و حکیمی که ذره‌ای و کمتر از ذره‌ای به کسی ستم روا نمی‌دارد و اعمال بندگان را همچنان که انجام داده‌اند، به آنان عرضه خواهد کرد و حسابگری و گواهی خدا کافی است. پس ببخش و عفو کن تا پادشاه روز قیامت از تو عفو کرده و درگذرد. چنان که خودش در قرآن می‌فرماید: «ولیعفووا ویصفحوا الا- تحبون ان یغفرالله لکم والله غفور رحیم [۲]» باید ببخشند و عفو کنند. آیا دوست ندارید خداوند شما را بیامرزد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است. امام سجاد علیه السلام این کلمات را برای خویش و غلامان و کنیزانش تلقین می‌کرد و آنان باهم تکرار می‌کردند و خود امام علیه السلام که در میان آنان ایستاده بود، می‌گریست و با لحنی ملتسانه می‌گفت: «رب! انک امرتنا ان نعفو عمن ظلمنا فنحن قد عفونا عمن ظلمنا کما امرت، فاعف عنا فانک اولی بذلک منا و من المأمورین [۳]» پروردگارا! تو به ما فرمودی از ستمکاران خویش درگذریم، همان طور که فرمودی، ما از کسانی که به ما ستم کرده‌اند، درگذشتیم، تو هم از ما درگذر! که در عفو کردن از ما و از تمام مأموران برتری.» پس از این برنامه عرفانی و تربیتی، امام سجاد علیه السلام خطاب به خدمتگزاران خویش می‌فرمود: من شما را عفو کردم، آیا شما هم من و بدرفتاری‌های مرا که فرمانروای بدی برای شما و بنده فرومایه‌ای برای فرمانروای بخشاینده عادل و نیکوکار بوده‌ام، ببخشید؟! همگی یکصدا می‌گفتند: با اینکه ما از تو، جز خوبی ندیده‌ایم، تو را ببخشیدیم. آنگاه به آنان می‌فرمود: بگوئید: خداوند! از علی بن الحسین درگذر! همان طور که او از ما درگذشت. او را از آتش جهنم آزاد کن، همان طور که او ما را از بردگی آزاد کرد. آنان دعا می‌کردند و امام چهارم علیه السلام آمین می‌گفت و در پایان می‌فرمود: بروید! من از همه شما عفو کردم و آزادتان می‌کنم به امید اینکه خدا نیز عفو کرده و آزادم کند. حضرت زین العابدین علیه السلام در روز عید فطر آنقدر به خدمتگزاران خود جایزه و هدیه می‌بخشید که از دیگران بی‌نیاز می‌شدند. سیره امام سجاد علیه السلام چنان بود که هرگاه بنده‌ای را در اول سال یا وسط سال مالک می‌شد، بعد از یک دوره آموزش و اعمال شیوه‌های تربیتی صحیح، در شب عید فطر آزادش می‌کرد. آن بزرگوار بندگان سیاه را که هیچ‌گونه نیازی به آنان نداشت، می‌خرید و در عرفات بعد از مراسم عرفه همراه هدایای

قابل توجهی آزادشان می‌ساخت. [۴] و به این ترتیب امام، بردگان را نه تنها در بعد جسمانی بلکه از افکار و اندیشه‌های خرافی، جهل و غفلت رها می‌ساخت. لذا تربیت یافتگان مکتب حضرت علی بن الحسین علیه السلام از ذلت غفلت و خرافه پرستی به اوج عزت معنوی و عرفانی نائل می‌شدند. و بیچاره‌ترین بردگان عصر آن حضرت در اثر ارتباط با درگاه امامت، به رهبران جامعه و عارفان خداجوی و عالمان ربانی مبدل می‌گشتند. سعید بن جبیر، سعید بن مسیب، ابواسحاق بن عبدالله سبعی، سالم بن ابی حفصه، شرحبیل بن سعد، عبدالله بن دینار، ابو خالد کابلی، محمد بن شهاب زهری، معروف بن خربوذ مکی، یحیی بن ام طویل، حبابه والیه و... [۵] از جمله تربیت یافتگان مکتب حضرت سجاد علیه السلام می‌باشند. این شیوه‌ی خداپسندانه امام چهارم علیه السلام موجب شد که دوست و دشمن، کوچک و بزرگ و مرد و زن از اعماق وجود خویش آن حضرت را دوست بدانند. آری محبوبیت اجتماعی آن حضرت، رهین کردارهای انسانی و کمالات الهی‌اش بود تا آنجایی که خلفای بنی امیه نیز به آن اعتراف می‌کردند. ابن شهر آشوب می‌گوید: امام سجاد علیه السلام در نزد عمر بن عبدالعزیز (هفتمین خلیفه اموی) حضور داشت؛ هنگامی که آن حضرت از نزد او بلند شده و بیرون رفت، عمر بن عبدالعزیز رو به اطرافیان‌ش کرده و گفت: بهترین و شریف‌ترین مردم به نظر شما امروزه کیست؟ همه گفتند: شما ای خلیفه! او گفت: نه، هرگز! بهترین و شریف‌ترین مردم همین فردی است که الآن از حضور ما بیرون رفت! او چنان قلبها را به خود متمایل ساخته است که همه دوست دارند مثل او باشند اما او هیچگاه آرزو نمی‌کند که به جای یکی از ماها باشد. [۶].

خدمتگزاری به نیازمندان

حضرت علی بن الحسین علیه السلام در عرصه خدمت به محرومان آنچنان درخشیده، که موجب اعجاب و شگفتی همگان گردید و آنان خواهی، نخواهی دوستدار حقیقی امام سجاد علیه السلام گردیدند. زمانی که تاریکی شب همه جا گسترده می‌شد و چشم‌های مردم به خواب می‌رفت، آن حضرت اموال موجود خود را از درهم و دینار جمع می‌کرد و نان و آذوقه را که فراهم کرده بود، برمی‌داشت و شبانه به منزل محرومان و بینوایان می‌شتافت. آن حضرت در حالی که صورت خود را پوشانده بود آذوقه‌ها و هدایا را به دوش می‌کشید و در سطح گسترده‌ای به بیچارگان مساعدت می‌نمود. امام باقر علیه السلام فرمود: «کان علی ابن الحسین علیه السلام یحمل جراب الخبز علی ظهره باللیل یتصدق [۷] پیشوای چهارم علیه السلام کیسه‌های نان را در شبهای تاریک به دوش می‌کشید و به فقرا و نیازمندان تصدق می‌نمود.» و بر این اندیشه پافشاری می‌کرد که: «ان صدقة السر تطفی غضب الرب [۸] صدقه پنهانی، خشم خداوند را فرو می‌نشاند.» محمد بن اسحاق می‌گوید: عده‌ای از نیازمندان مدینه عادت کرده بودند که در ساعات معینی از شب، مرد ناشناسی به کمک آنان بیاید و او را به عنوان صاحب انبان به همدیگر معرفی می‌کردند. و آنان تا روز شهادت امام زین العابدین علیه السلام وی را نمی‌شناختند. [۹]. امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم حضرت علی بن الحسین علیه السلام دوبار برای خدا کلیه‌ی اموال خود را احسان نمود. [۱۰]. امام سجاد علیه السلام همواره می‌فرمود: «ساده الناس فی الدنيا الاسخياء و ساده الناس فی الاخرة الاتقیاء [۱۱] سرور و آقای مردم در دنیا سخاوتمندان و بخشندگان هستند و در جهان آخرت، پرهیزگاران سرآمد دیگران خواهند بود.»

زیباترین شیوه معاشرت

در اینجا به برخی از رفتارهای پسندیده امام سجاد علیه السلام که در جذب قلوب و صید دلهای مردم تاثیر فراوان داشته است، اشاره می‌کنیم: ۱. زمخشری نقل کرده است: هنگامی که یزید بن معاویه عامل جنایتکار خود، مسرف بن عقبه را به مدینه فرستاد و لشکر وی به قتل و غارت اهل مدینه پرداختند. حضرت زین العابدین علیه السلام چهارصد نفر از بانوان بی‌پناه را پناه داد و آن حضرت در

کمال سخاوت و جوانمردی از آنان پذیرایی نمود. هنگامی که لشکر مسلم بن عقبه از مدینه بیرون رفت، آن بانوان گفتند: به خدا قسم! در کنار پدر و مادرمان این چنین زندگانی خوش و آرامش روحی و روانی نداشته‌ایم که در سایه عطوفت و محبت این مرد شریف (حضرت سجاد علیه السلام) در این مدت بحرانی این چنین در آرامش و در کمال احترام به سر بردیم. [۱۲]. ۲. امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت سجاد علیه السلام هرگاه مسافرت می‌رفت، سعی می‌کرد با کاروانی سفر کند که او را شناسند و شرط می‌کرد که در طول سفر یکی از خدمتگزاران به همسفرانش باشد. یک بار که با افرادی ناشناس به مسافرت رفته بود، مردی آن حضرت را دیده و شناخت، بعد به دیگر دوستانش گفت: آیا می‌دانید این آقا که به شما خدمت می‌کند، کیست؟ گفتند: نه، نمی‌شناسیم. آن مرد گفت: این شخص حضرت علی بن الحسین علیه السلام است! اهل کاروان که این جمله را شنیده و امام را شناختند، یکدفعه از جای خود برخاسته و دست و پای حضرتش را بوسیدند و عرضه داشتند: ای فرزند رسول خدا! آیا می‌خواهی ما را آتش جهنم فراگیرد؟! اگر خدای نکرده از دست و زبان ما خطائی سر می‌زد و به شما جسارتی می‌کردیم، آیا ما تا ابد هلاک نمی‌شدیم؟! چه انگیزه‌ای باعث شد که شما به صورت ناشناس به ما خدمت کنید؟ امام سجاد علیه السلام فرمود: «هنگامی که من با عده‌ای آشنا به مسافرت رفتم، آنان به خاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیش از استحقاق من، برایم خدمت کرده، عطوفت و مهربانی نثارم کردند. به همین جهت، به صورت ناشناس آمدم که مبادا شما نیز بیش از حد بر من احترام کنید. و ناشناس بودن را بهتر می‌پسندم.» [۱۳]. بی تردید این سیره پسندیده حضرت سجاد علیه السلام برگرفته از کلام حضرت خاتم الانبیاء، صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد که فرمود: «من اعان مؤمنا مسافرا فرج الله عنه ثلاثا و سبعین کربة» [۱۴] هرکس به یک مؤمن مسافر یاری و خدمت نماید، خداوند متعال هفتاد و سه بلا و اندوه را از او زایل خواهد کرد.» ۳. علی بن عیسی اربلی می‌نویسد: روزی امام سجاد علیه السلام از مسجد بیرون آمد و با مردی که با آن حضرت عداوت دیرینه داشت، مواجه شد. مرد همین که چشمش به امام افتاد، به حضرت زین العابدین علیه السلام جسارت کرده و دشنام و ناسزا گفت. یاران و غلامان امام علیه السلام خواستند که آن شخص را تادیبش کنند. اما حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمود: با او کاری نداشته باشید. آنگاه به او نزدیک شده و گفت: آنچه از صفات و کارهای ما بر تو پوشیده است، بیشتر از آن است که تو مطلع هستی! سپس با مهربانی و عطوفت تمام فرمود: الکک حاجة نعینک علیها؛ آیا مشکلی داری که ما در حل آن تو را یاری نماییم؟! مرد با مشاهده این رفتار انسانی، از کرده خود شرمسار گردید. اما امام چهارم علیه السلام او را نوازش کرده و عبای ارزشمند خود را به همراه هزار درهم به وی بخشید. بعد از آن واقعه، آن مرد شدیداً به امام علاقه‌مند گردید و در هر کجا که می‌رسید، به بیان فضائل و مناقب آن حضرت می‌پرداخت و خطاب به حضرتش می‌گفت: به راستی که تو از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستی. [۱۵]. این رفتارهای آموزنده و انسانی موجب شده بود که مخالف و موافق، آن حضرت را از اعماق وجودشان دوست بدارند و به شخصیت والای امام سجاد علیه السلام به دیده احترام و عظمت بنگرند.

راز محبوبیت اجتماعی

محمد بن مسلم بن شهاب زهری [۱۶] روزی با حالتی افسرده و اندوهگین به حضور امام سجاد علیه السلام آمد. وقتی امام علت ناراحتی وی را پرسید، گفت: اندوه من از سوی برخی مردم به ویژه افرادی است که به آنان خدمت کرده‌ام ولی آنها برخلاف انتظارم به من حسد ورزیده و چشم طمع در اموال دوخته‌اند. امام چهارم علیه السلام رهنمودهای راهگشایی به وی ارائه فرموده و سپس افزود: «احفظ علیک لسانک تملک به اخوانک؛ اگر از زبانت مواظبت کنی، همه دوستان و آشنایان در اختیار تو خواهند بود [و تو را دوست خواهند داشت].» سپس فرمود: «زهری! کسی که عقلش کامل‌ترین اعضاء وجودش نباشد، با کوچک‌ترین اعضایش (زبان) هلاک می‌شود.» حضرت سجاد علیه السلام مهم‌ترین رمز توفیق در زندگی را، تواضع و احترام به دیگران دانسته و

می‌فرماید: «اگر دیدی که مسلمانان تو را احترام می‌کنند و مقامت را بزرگ می‌شمارند، بگو آنها بزرگوارند که با من چنین رفتار می‌کنند و اگر از مردم نسبت به خود بی توجهی مشاهده کردی، بگو از من خطایی سرزده که مستوجب چنین بی‌احترامی شده‌ام. هرگاه چنین اندیشیده باشی و طبق این تفکر عمل کنی، خداوند متعال زندگی را بر تو آسان کرده، دوستانت زیاد و دشمنانت به حداقل خواهند رسید. در این صورت نیکی‌های دیگران تو را خوشحال می‌کند و از بدی و اذیت‌های آنان آزرده نخواهی شد.» [۱۷].

در اوج محبوبیت

داستان معروف امام سجاد علیه السلام هنگام زیارت بیت الله الحرام دلیل واضحی بر جایگاه والای معنوی و اجتماعی آن حضرت در عصر خود می‌باشد. خلاصه آن ماجرا چنین است: در زمان خلافت عبدالملک بن مروان سالی پسرش هشام بن عبدالملک [۱۸] به زیارت خانه خدا رفت. اما در اثر ازدحام جمعیت نتوانست «حجرالاسود» را زیارت کند و کوشش اطرافیانش نیز در این زمینه نتیجه‌ای نداشت. ناگزیر برای او در کنار کعبه تختی نصب کردند و وی در آنجا نشست و به تماشای حجاج و طواف کنندگان پرداخت. اطرافیان شامی او نیز در کنارش گرد آمده و به اجتماع پرشکوه حج نظاره می‌کردند. در همین حال، ناگهان حضرت سجاد علیه السلام پدیدار شد. آن حضرت که در میان جمعیت با سیمایی زیبا و وجودی نورانی همچون ستاره‌ای می‌درخشید، گرد خانه خدا طواف کرد و هنگامی که به حجرالاسود نزدیک شد، مردم با کمال احترام و تواضع راه را بر امام باز کردند و حضرت به راحتی حجرالاسود را زیارت نمود. این منظره که هشام و اطرافیانش را به حیرت واداشته بود، موجب شد تا یکی از شامیان از هشام بپرسد که: این شخص با عظمت کیست که مردم این چنین احترامش می‌کنند؟ اما هشام به جهت اینکه شامیان آن حضرت را نشناسند، پاسخ داد: من هم نمی‌شناسم! «فرزدق» شاعر که در آنجا حاضر بود، بلند شده و با جرئت تمام گفت: اما من او را می‌شناسم! گفت: من می‌شناسمش نیکو زو چه پرسی، به سوی من کن رو اگر هشام او را نمی‌شناسد، من آن جوان زیبا روی و نورانی چهره را خوب می‌شناسم. مرد شامی گفت: او کیست ای ابو فراس؟! فرزدق در پاسخ آن مرد شامی قصیده معروف خود را در چهل بیت سرود. از جمله اینکه: هذا الذی تعرف البطحاء و طاته و البیت يعرفه و الحل و الحرم این کسی است که سرزمین پاک مکه قدر و منزلت او را می‌شناسد و خانه کعبه، حل و حرم او را می‌شناسند. هذا ابن خیر عبادالله کلهم هذا التقی النقی الطاهر العلم این فرزند بهترین بندگان خداست. این جوان پاک و پاکیزه و پیراسته و شناخته شده است. هذا ابن فاطمة ان کنت جاهله بجده انبیاء الله قد ختموا این فرزند فاطمه است. اگر او را نمی‌شناسی، او کسی است که جدش خاتم الانبیاء می‌باشد. ... او از خاندانی است که محبت ایشان، دین و دشمنی با آنان، کفر و نزدیک شدن به آنان، پناهگاه و نجات بخش است. هرکسی خدای را بشناسد، نیاکان او را نیز نیک می‌شناسد که دین اسلام از خانه او به سایر مردم رسیده است. ... هشام بن عبدالملک بعد از شنیدن این قصیده، خشمگین شد و حقوق فرزدق را از بیت المال قطع نموده و او را در عسفان (بین مکه و مدینه) زندانی کرد. حتی در اعتراض به فرزدق گفت: تو تا به حال برای ما چنین مدحی نگفته‌ای! فرزدق گفت: تو نیز جدی مثل جد او و پدری مثل پدر او و مادری مثل مادر او بیاور تا من شبیه این ابیات را در مورد شما نیز بسرایم. بعد از این ماجرا، امام سجاد علیه السلام دوازده هزار درهم برای فرزدق فرستاد و فرمود: ای ابو فراس ما را معذور دار. اگر بیش از این مقدورمان بود، برایت می‌فرستادیم. اما او نپذیرفت و گفت: ای پسر رسول خدا! آنچه من گفتم، به خاطر جایزه نبوده بلکه برای رضای خدا و رسولش بوده است. من پاداشی از شما نمی‌خواهم. امام دوباره آن اموال را برای فرزدق فرستاد و فرمود: «خداوند مکان و منزلت و نیت تو را می‌داند، به حق من آن را قبول کن.» و فرزدق آن را پذیرفت. [۱۹].

پاورقی

- [۱] تحف العقول، ص ۲۸۷.
- [۲] سوره نور، آیه ۲۲.
- [۳] بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۴.
- [۴] اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۴۴۶.
- [۵] رجال الشيخ، اصحاب علی بن الحسین (ع).
- [۶] مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۶۷.
- [۷] بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۸۸.
- [۸] مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۵۳.
- [۹] همان.]
- [۱۰] همان، ص ۱۵۴.
- [۱۱] روضه الواعظین، ج ۲، ص ۳۸۵.
- [۱۲] منتهی الآمال، ج ۲، ص ۸.
- [۱۳] وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۳۰.
- [۱۴] همان، ص ۴۲۹.
- [۱۵] کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۰۱.
- [۱۶] وی در ابتدا از علمای اهل سنت بود اما در اثر معاشرت با امام چهارم (ع) و نیل به بهره‌های شایان علمی و انسانی از محضر امام سجاد (ع)، به آن حضرت علاقه شدیدی پیدا کرد و از امام همیشه با لقب «زین العابدین» یاد می‌نمود.
- [۱۷] الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۹.
- [۱۸] وی از سال ۱۰۵ تا ۱۲۵ هـ زمام حکومت را به دست گرفت. از آنجایی که امام چهارم (علیه السلام) در سال ۹۵ هـ توسط ولید بن عبدالملک به شهادت رسید، هشام بن عبدالملک جانشین خلیفه به شمار می‌آمده است.
- [۱۹] مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۶۹.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید
 بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی
 آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در
 دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه

الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

